

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر بهزاد شاهنده*

فرستنده: فرید پرواز

۰۴ جنوری ۲۰۱۵

رشد اقتصادی چین و عروج نظامی گری



چین و اقتصاد برتر جهان

از تاریخ چهارم دسمبر ۲۰۱۴ چین تبدیل به قدرت اول اقتصادی جهان شده است. به طوری که تولید ناخالص داخلی اش بر اساس معیار خریدی که در حال حاضر وجود دارد ۱۷/۶ تریلیون دلار است، در حالی که این رقم برای امریکا ۱۷/۴ تریلیون دلار است. این بدان معنی است که چینی ها برای اولین بار از امریکائی ها پیشی گرفتند. برای بیان بهتر رشد شتابان چین جالب است بدانیم که چهارده سال پیش یعنی در سال ۲۰۰۰ میلادی، امریکائی ها سه برابر چینی ها کالا تولید می کردند. ولی در حال حاضر شاهد سبقت گرفتن چینی ها و تبدیل شدن آن ها به قدرت اول اقتصادی جهان هستیم. چینی ها از چند سال پیش به بزرگترین کشور تجاری جهان مبدل شده بودند، ولی هنوز اقتصاد اول جهان نبودند. اما این موضوع هم در روز چهارم دسمبر ۲۰۱۴ اتفاق افتاد.

اعلام چین به عنوان قدرت اول اقتصادی جهان طبق آخرین گزارش از سوی صندوق بین المللی پول بود و این گزارش صادر شد. بنابراین ما شاهد رشد شتابان چین در حوزه اقتصادی هستیم. در این حال چین در بودجه سالانه خود حدود ۵۰۲ میلیارد برای گسترش نظام آموزش عالی در نظر گرفته است. تعداد دانشگاه های چین در دهه گذشته به حدود دو برابر حدود ۲۴۰۰ دانشگاه رسیده است و حدود ۷ میلیون دانشجو دارند. این ها ارقامی اند که به تحلیل درست ما کمک می کنند. درست است که فقط دو دانشگاه از چین در سطح دانشگاه های اول جهان حضور دارند. اما در آینده به جهت سرمایه گذاری بسیار زیادی که در چین انجام می شود، شاهد تعداد بیشتر دانشگاه های چین در سطح بالای دانشگاه های جهان خواهیم بود. در واقع تولید ناخالص داخلی چین که با ۷.۶ تریلیون دلار در جهان اول شده است امکان دارد در روزهای آینده جواب ندهد اما این فرایند در بلند مدت در سطح نظام بین الملل به بار خواهد نشست. چنانچه انگلیس که ابتداء قدرت اقتصادی گردید و سپس حضوری جهانی پیدا کرد. چین اکنون امریکا و انگلیس را که حدود ۲۰۰ سال در صدر اقتصاد جهان بودند، از جایگاه شان خارج کرده است. این امر در سیاست خارج چین نمود یافته است. اکنون

شاهد یک حرکت در سیاست خارجی چین هستیم که از حالت محتاطانه با چراغ خاموش و پنهان کردن چراغ در بته‌ها بیرون آمده است و یک سیاست خارجی مدعی را دنبال می‌کنند و عقیده دارند چنانچه قاطعانه وارد سیاست بین الملل نشوند نمی‌توانند چین را به آروزهایش برسانند. تا پیش از این هدف سیاسی خارجی چین توسعه اقتصادی بوده است یعنی توسعه اقتصادی به عنوان موتور حرکت سیاست خارجی چین مطرح بوده است. نوع نگرش چینی‌ها به آینده در ۵ روند ترسیم شده است. اولین روند: روند به سمت چندجانبه‌گرایی است. در این دنیای چند جانبه که در این مورد به نوعی تقابل با **امریکا** هم ایجاد می‌شود. دومین عامل روند به سمت جهانی شدن است، سومین روند به سمت صلح و توسعه و چهارمین روند که بسیار مهم است روندی به سمت اصلاح نظام بین الملل است. زیرا نشان می‌دهد که نظام بین الملل موجود، مورد طلب چینی‌ها نبوده است. پنجم نیز روندی به سوی شکوفائی هرچه بیشتر در منطقه آسیا پاسفیک است چون حوضه اول آن‌ها بوده و می‌خواهند در آنجا فعالیت داشته باشند.

نگاه چین به ملی‌گرایی و رشد نظامی

مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد این است که چینی‌ها برای پر کردن خلاء داخلی به دنبال ملی‌گرایی رفته‌اند. در حال حاضر ملی‌گرایی در چین بسیار تقویت شده است. وقتی جاپان و چین با هم اختلاف پیدا کردند، به مراکز اقتصادی جاپان در چین حمله شد و چینی‌ها خیلی محکم در برابر این حملات ایستادند. البته جاپانی‌ها هم از کارت ملی‌گرایی شان استفاده می‌کنند. بنابراین در این منطقه تنش خیلی بالاست. البته تنشی که در آن منطقه هست به دلیل اختلاف چین و جاپان است. چینی‌ها اعلام کردند که جاپان به دلیل جنایاتی که علیه مردم چین در زمان اشغال شرق چین اعمال کرده است، هنوز آن عذرخواهی را که باید از چین نکرده است. چینی‌ها طالب این عذرخواهی هستند. چینی‌ها به شدت با این موضوع که جاپان مجدداً به یک قدرت نظامی تبدیل شود، مخالف هستند. طبق قانون اساسی جاپان که توسط **امریکائی**‌ها تدوین شده است، ماده ۹ در این قانون وجود دارد که در آن جا عنوان می‌کند جاپانی‌ها حق ندارند نیروی دفاعی و مسلح به غیر از نیروهای دفاعی خودی داشته باشند. یعنی نمی‌توانند خارج از مرزهای خودشان وارد فعالیت‌های نظامی شوند. آقای **شینزو آبه** می‌خواهد تغییری در قانون اساسی و ماده ۹ انجام دهد که بتواند با چین برخورد کند ولی مقداری مشکل ساز شده است. همچنین کشور فیلیپین که تنها مستعمره **امریکا** بوده است و **امریکائی**‌ها در آن جا پایگاه دارند و قراردادهایی بین این دو کشور هست تنها کشوری است که در این زمینه همراهی می‌کند ولی بقیه کشورها همراه نیستند. کشور کوریای جنوبی که حدود ۴۵۰ میلیارد دلار با چین تجارت دارد به هیچ وجه حاضر نشده در مقابل چین عرض اندام کند. البته کوریای جنوبی و چین در یک مسأله با هم مشترک هستند و آن این است که هر دوی این کشورها زخم خورده جاپان در دوران جنگ جهانی دوم هستند. **امریکائی**‌ها در حال حاضر با فیلیپین تجدید قرارداد نظامی داشته‌اند و با جاپان هم همکاری نزدیکی دارند. ولی هیچ یک از همسایگان چین در منطقه شرق آسیا و جنوب آسیا به دلیل شناخت کاملاً قدرت چین قصد مقابله با چین را ندارند. در همین راستا حدود پنج سال پیش چینی‌ها متممی را به قانون اساسی خود اضافه کردند و اعلام کردند که حاکمیت مطلق کل دریای جنوبی چین که شامل سلسله جزایر اسکاتلی و پاراسل می‌شود، متعلق به چین است. چینی‌ها چنین موضوعی را در قانون اساسی خود آوردند و اعلام کردند که ما به هیچ وجه در مورد حاکمیت این منطقه که منطقه وسیعی تا شمال مالزی و اندونزی را شامل می‌شود، وارد سازش و گفت و گو نمی‌شویم. اگر کشورهایی که در این منطقه قرار دارند بخواهند با ما همکاری کنند ما حاضریم در پروژه‌های مشترک با آن‌ها همکاری کنیم ولی بحث حاکمیتی را به هیچ وجه قبول ندارند. در این زمینه چین با جاپان مشکل دارد. به طوری که در اجلاس اخیر اپک که در بیجینگ* برگزار شد، آقای **شی جین پینگ** بعد از یک سال و نیم برای اولین بار با آقای **شینزو آبه** ملاقات کرد. یعنی چین در ضمن این که با جاپان مشکلاتی دارد

و فشارهایی را به جاپان وارد می کند ولی با آن ها قطع رابطه نکرده است. لذا چین به دنبال اعمال قدرت خود در منطقه است.

***- کارشناس و استاد برجسته چین- مرکز بین المللی مطالعات صلح – IPSC**

****-** در پایان قرن نوزدهم یک محقق انگلیس به نام **ویدل** یک نظام تلفظی را از تلفظ اسامی کلمات چینی ایجاد کرد. زیرا آن ها احساس می کردند تلفظی که در درون چین استفاده می شود از نظر تلفظ سخت است. چند سال بعد فردی به نام **جای**، با آقای **ویدل** همکاری کرد و سیستم تلفظی **ویدل-جای** را ایجاد کردند که در آنجا پایتخت چین را که **بیگینگ** بود به پکن تغییر دادند. این روند تا ۷۹ ادامه داشت بنابراین تا سال ۷۹ با اسامی مانند **چوال لای** روبه رو هستیم زمانی که تلفظ چینی آن **جوی لای** می باشد. یا مثلاً تلفظ چینی **مانوس دونگ** که چینی ها **مانوتسه دونگ** می گویند. در سال ۷۹ زمانی که آقای **دنگ شیآ پینگ** قدرت را به دست گرفت به تمامی کشورهای جهانی ها اعلام کرد که نظام تلفظی **استعماری ویدل-جای** منسوخ گردیده و از این پس همه باید از همان سیستم تلفظی خود چینی ها استفاده کنند. به طور کلی در تمام دنیا به استثنای چند کشور از جمله **ایران**، همه از کلمه **بیگینگ** استفاده می کنند. اما متأسفانه **ایران** هنوز پکن را استفاده کرده در صورتی که این تغییر باید اعمال شود زیرا چینی ها استفاده از سیستم تلفظی استعماری را در مورد کشورشان، توهین به خود می دانند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی چین، چین و آسیا، روابط چین با آسیا، چین و شرق آسیا، روابط چین و هند، روابط چین و جاپان، چین و بزرگترین اقتصاد جهان، ملی گرایی چینی، رشد نظامی چین